

پیش از شروع بدانیم:

- در این مجموعه واژگان پرکاربردی را که در متون انگلیسی مرتبط به کنکور بهداشت می بینیم، آورده ایم.
- بکوشید هر صفحه از این مجموعه را با هم در یک روز به خاطر بسپارید.
- برنامه داشته باشید و از پراکنده خوانی و تلاش های بی هدف برای به خاطر سپاری واژگان جداً اجتناب کنید.
- جهت افزایش ماندگاری واژگان در حافظه تان، تا جایی که می توانید از مرورهای ۷ گانه پیش بینی شده استفاده کنید. به عنوان مثال، واژگانی که در روز دهم مطالعاتی برای اولین بار به خاطر سپرده می شوند، باید در روزهای ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۴، ۴۰ و ۷۰م مرور شوند. در این بین مرورهای روزهای ۱ - ۷ - ۳۰ بیشترین اهمیت را دارند.
- در صورتی که در روزی که معنای واژه را از خودتان می پرسید موفق عمل کردید، یک تیک در خانه مربوطه بزنید. در غیر این صورت خانه را خالی بگذارید. واژه ای را که کمتر از ۵ تیک داشته باشد، به طور ویژه وارد جدولی جدید مشابه این جدول بکنید. و سپس از آن روز به بعد به مدت هشت روز واژگان این روز را مرور کنید. هر گاه توانستید معنای فارسی واژه مورد را از حفظ بگویید، در خانه مربوط به روزی که در آن مشغول مرور کردن هستید تیک بزنید.
- برای تهیه ی مجموعه کامل لغات می توانید با ما تماس بگیرید (۹۸ و ۹۷۳۳۴۹۷۰۲۱۸۸۵ همه روزه ۹-۱۳).

ردیف	English	فارسی	۱	۳	۵	۷	۱۴	۳۰	۶۰
1	abacinate	کور کردن							
2	abaft	عقب، به طرف عقب							
3	abase	کم ارزش کردن							
4	abate	فروکش کردن، کاستن، رفع نمودن							
5	abbreviation	اختصار، تلخیص							
6	abdomen	شکم، بطن							
7	abort	کنسل کردن، سقط کردن							
8	abrasion	خراش، سایش							
9	absenteeism	غیبت							
10	abstinence	پرهیز، خودداری، ریاضت							
11	absurdity	پوچی، مزخرف بودن							

12	accentuate	تأکید کردن، اهمیت دادن							
13	accessory	فرعی، لوازم یدکی							
14	accommodate	همراهی کردن، تطبیق دادن							
15	accompany	توأم کردن، همراه کردن							
16	account for	مسئول و مسبب چیزی بودن							
17	accumulate	انباشتن							
18	acupuncture	طب سوزنی							
19	acute	حاد، بحرانی							
20	adherence	چسبندگی، پایبندی، هواخواهی							
21	adjunct	مکمل، افزوده، فرعی، ضمیمه							
22	adjuvant	یاور، یاری کننده							
23	admission	پذیرش، قبول، اعتراف، اجازه ورود							

24	admit	پذیرفتن، موافقت کردن							
25	adopt	قبول کردن، اتخاذ کردن							
26	advent	ظهور، ورود							
27	adventure	خطر، ماجرا، در معرض خطر گذاشتن							
28	adversarial	دشمنانه، مخالفانه							
29	advertise	آگهی دادن، اعلام کردن، انتشار دادن							
30	advocate v	دفاع یا طرفداری کردن							
31	affair n	کار، امر، عشق بازی							
32	affirmation	تأکید، اثبات، اظهار قطعی، تصریح							
33	afflict	آزردن، پریشان کردن، مبتلا کردن							
34	afford	موجب شدن، توان پرداخت داشتن							
35	agency	نمایندگی، وکالت، مأموریت، گماشتگی							

36	aggravate	بدتر کردن، خشمگین کردن							
37	aggregate	متراکم کردن، جمع کردن							
38	agricultural	زراعتی، کشاورزی							
39	aid	کمک کردن							
40	aim	هدف، نشان، دانستن، ارزیابی کردن							
41	alienate	انتقال دادن، بیگانه کردن، منحرف کردن							
42	align with	هم تراز کردن، در یک ردیف قرار گرفتن							
43	alleviate	آرام کردن، فرونشاندن							
44	allied	متحد، پیوسته							
45	allocation	تخصیص							
46	alternative	بدیل، شق دیگر، تناوبی، چاره							
47	Altitude	بلندی، ارتفاع، متتهای درجه، منزلت							

48	altogether	روی هم رفته، در مجموع، کاملاً							
49	amend	ترمیم کردن							
50	amiable	شیرین، دلپذیر، دوست داشتنی							
51	amicable	موافق، دوست، دوستانه							
52	amid	در میان، در وسط							
53	amentia	حالت هذیان، سفاهت							
54	amongst	در میان، در زمره							
55	amplify	تقویت کردن							
56	ancestor	نیا، جد							
57	and so forth	و همین طور							
58	angina	وابسته به گلو درد							
59	anomalous	غیرعادی، خارج از رسم، مغایر							

60	antennae	شاخکها							
----	----------	--------	--	--	--	--	--	--	--